

علم حديث

۵۸

فصلنامه علمی - پژوهشی

سال پانزدهم / شماره چهارم / زمستان ۱۳۸۹

مقاله حجتیت اخبار احادیث در اعتقادات
بررسی سبیر تاریخی روایات، آثار و دیدگاهها در محاکو و منشاء
نقش مفون دینی در تبیین معانی واژگان روایات
معمارهای غلو در قرآن در روایات
هنرمندی دانش‌های حدیثی در اندیشه و فلم تصحیح بهایی
نقد و بررسی حدیثی در قضیت اهل فارس
کاویانی در احادیث خمس
باران در روایات
نقش اسبابی عینه کهنه در نظر حدیث شیعه
حدیث‌پژوهی در نگاشته‌های مستشرقان

باران در روایات

دکتر محمد حسن رستمی*

چکیده

باران رحمت الهی است. خداوند با فروغ فرستادن این عامل حیات، سرسیزی نشاما و شادابی را بر همگان رقم زده است.

باران و مودمندی های آن بارها در روایات اسلامی مطرح شده است و در آنها به نویسندگان از آب باران توصیه شده و از آثار مهم آن در دفع بیماری ها سخن به میان آمده است.

در روایات، به زیبایی، ارتباط میان باران و معنویت ترسیم شده و گناهان مانع نزول باران فهرست شده اند؛ ولی در این که متشا باران، ابوها هستند یا این که باران در لایه ای فراز از ابرها شکل می گیرد و ابرها حکم غربال را دارند، روایاتی وجود دارد که نیاز به برسی بیشتری دارند. برخی این روایات را مخالف علم تلقن کرده و به دلیل ضعف سندی آنها را واهه دانند. در این مقاله این روایات از جهت منشی و سندی مورد بررسی قرار گرفته اند.

کلید واژه ها: باران، ابر، آسمان، غربال.

درآمد

باران رحمت الهی است. خداوند با فروغ فرستادن این عامل حیات، سرسیزی، شادابی و نشاط را بر همگان رقم زده است. زیبایی و سرسیزی طبیعت همه به یمن باران و آب آسمانی است و متابع آبها در روی زمین، چشمدها، قنات ها و چاههای عمیق از آب باران نشأت می گیرند؛ چنین است که کمود باران، کاستی این آبها و در نتیجه، خشکسالی را در بی دارد.

بیامر اسلام^۱ فرموده اند:

لَيْسَ مَاءُ فِي الْأَرْضِ إِلَّا وَقَدْ خَالَطَهُ مَاءُ السَّمَاءِ؛

هیچ آین در زمین نیست جز آن که آمیزه ای از آب باران دارد.^۲

* عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد.

^۱ البرهان لاس تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۶۷.

قرآن کریم باران را آب پر برکت، نعمت الهی، نشانه او، رحمت خداوندی و «رق الہی می داند و به زیبی، مراحل بارش، ذخیره سازی باران در زمین و احیای زمین توسعه باران را مطرح ساخته است.^۱

باران و سودمندی های آن در روایات اسلامی نیز مطرح شده است. در برخی از روایات نکات بسیار مهم و قابل توجهی بیان شده است که حیوت انگیز و اعجاب آور است! ولی در باره ای از منقولات روایی مطالیب، به ظاهر، خلاف عقل و علم دیده می شود.

ایا این دسته از روایات را باید مجموع تلقی کرده و در زمرة اسرایلیات^۲ به حساب آورده؟ یا این که داشتن مربوط به آن احادیث را به معصومان و اکناف کرده و در مورد آنها سکوت کرده؟ یا این که تبعاً آن روایات را پذیرفت و در داده های علمی امروزی و احتجاجات پژوهی در زمان حاضر تشکیک کرده؟ یا راه جمعی میان احادیث یاد شده و علم و عقل وجود دارد؟

در این مقاله به این مطلب پرداخته می شود و قبل از تحلیل راههای یاد شده، روایات ناظر به باران در فصل بندی ذهل تقدیم می گردد.

ارزش باران و سودمندی آن

توصیه به نویسنده آب باران و اشاره به سودمندی آن در بروجوف کردن بیماری ها از امیر مؤمنان گزارش شده است که قریبود:

اشربوا ماء السماء فانه يطهر البدن و يدفع الاصقام^۳

از آب آسمانی (باران) بتوشید که یاک کنده بدن و زداینده بیماری هاست.^۴

پیدایش امراض در صورت عدم بارش باران یا بارش مداوم باران
امام صادق در خدیث خطاب به مفضل^۵ به تفصیل، از باران و نقش آن در زندگی بشر سخن گفته و از
آن جمله فرموده اند:

ای مفضل، درباره هوای صاف و باران اندیشه کن که چگونه هر کدام در یعنی یکدیگر بر
این عالم پیدید می آیند و اگر یکی از آن دو مداوم وجود داشتند، فساد عالم را در یعنی
دانست. آیا نمی بینی که اگر باران ها مداوم و یعنی در یعنی نازل می شدند، گیاهان متعفن
شده و بدن حیوانات زنده دچار رخوت و سمتی می شدند و هوا سرد می شد و این خود
باعث ایجاد انواعی از امراض می شد و راهها دچار فساد می شدند و بر عکس، اگر بارش

۱- برای اطلاع بیشتر راهک: سیمای طبیعت در قرآن، اثر نگارنده: اسرایلیات، اصطلاح است که اندیشندان مسلمان آن را بر مجموعه اخبار و قصه های یادوی و تصریف اطلاع می کنند که بعد از
وروغ جمعی از بیوهان و مسیحان به دین اسلام با ظاهر آنها به مسلمانی وارد جامعه اسلامی شده است (ز.گ: الالوی،
مسرای ۳۳۹-۳۳۹) اسرایلیات و از های ای کتب التفسیر، ص ۷۳)

۲- الکافی، ج ۲، ص ۲۸۷-۲۸۸: البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۳۹
۳- مقتول بن عمر از أصحاب امام صادق است که مقید وی را از بزرگان اصحاب امام صادق دانسته و از فقهاء صالح موثق به شمار
آورده است و نیز تصحیح طوسی وی را از محمودین دانسته است: گرجه یعنی وی را فاسد المذهب و منظر طرفه روابه معرفی
کرده اند (ز.گ: جامع الاراء، ج ۳، ص ۳۰۸؛ مجمع رجای الحدیث، ج ۲، ص ۳۳۲).

نوده و هوای صاف مداوم بود، زمین خشکیده و گیاهان می‌سوختند و آب چشممه‌ها کم شده و ضرر قراوانی به مردم وارد می‌شد و هوا نیز دچار خشکی شده و انواع دیگری از امراض ایجاد می‌شد، ولی وقتی این دو در بین یکدیگر ایجاد می‌شوند، هوا معنده شده و هر یک مشکلات دیگری را خنثی می‌کند.^۶

در این روایت امام اثمار عدم بارش باران را در:

۱. خشک شدن زمین [جفت الارض].

۲. خشک شدن گیاهان و درختان [واحترق النبات].

۳. کم شدن آب در ذخائر زمین [غیض ماء العيون والآودیه].

۴. خشک شدن رطوبت هوا [غلب الیس على الهواء].

۵. ایجاد انواعی از امراض [فاحذت ضررو با اخري من الارض]

معروفی کرده؛ و نیز بارش مداوم باران را موجب:

۱. یوسیدگی و تعفن گیاهان [غفتت البقول والخضر].

۲. سستی و رخوت حیوانات [و استرخت ایдан الحیوان].

۳. سردی بیش از حد هوا [خسر الهواء].

۴. تخریب راههای عبور مرور [فسدت الطريق].

۵. ایجاد انواعی از بیماری‌ها [فاحذت ضرروماً من الامراض].

دانسته‌اند؛ که بر اساس حکمت خداوندی در ایجاد طبیعت، بارش و عدم بارش باران کنترل شده و موجب صلاح و استقامت انسایی عالم شده است [فاذنا تعاقباً على العالم هذا التلاعف اعتدال الهواء و دفع كل واحد منها عادية الآخر فصلحت الاشياء و استقامت].

نحوه بارش باران و نقش آن در ایجاد رستاخیز طبیعت

در برخی روایات، چگونگی بارش باران گزارش شده و انسان‌ها را در این باره به اندیشه فرا می‌خواند.

امام عسکری علیه السلام می‌فرماید:

خداآوند باران را از آسمان نازل می‌کند تا به همه قله‌ها، کوه‌ها و تمام نقاطاً مرتفع و هموار برسد و آن را دانه دانه و نرم و بسی در بین قوار داد تا کاملاً در زمین فرو رود و سیراب گردد و آن را به صورت سیلابی نفوستاد تا زمین‌ها و مزارع و درختان را ویران کند.^۷

^۶ بخار الانمار، ج. ۳، ص. ۱۲۵؛ فکر با مفضل فی الصحو و المصطر کیف یعنیان علی هذا العالم لما فيه صلاحه...

^۷ و ما نزل الله من السماء من ماء و إبلأ و هنالك و رذا لا يتزل عليكم دفقة واحدة فغير فکم و يهلك معاياشكم لكنه ينزل متفرق من علا حتى يعم الاوهاد والتلاع (بخار الانمار، ج. ۳، ص. ۵۶).

امام علی رستاخیز با شکوه طبیعت، در پی نزول باران را چنین توصیم فرموده‌اند:

بدین سان خداوند کاروانی از ایرهای بی در بی روان می‌سازد تا جوانان مادری مهربان کوک طبیعت را در آغوش گیرد و مادهای سرد جنوبی در دوشیدن شیرش - که همان شیشم باران است - نفس خود را اینجا کند. تو گویی سنه طبیعت رگ گرده و با رگارش زمین را سیراب می‌سازد و بدین سان چون این، زمین را زیر بستان پر بارانش می‌گیرد و بار گرانی را که آبتن آن است، فرو می‌بارد؛ در زمین خشک، گیاه و از کوه‌های عربان انواع سبزه‌ها می‌روید؛ اینک این زمین است که با ارایش گل و گیاه خود، به نشاط آمده و با پوشاك نرم و فاخری که از شکوفه‌ها به تن نموده به خود می‌مالد و به انواع زیورهایی که از فروع خرس گل و گیاهان به تن نموده فخر می‌فروشد.^{۱۰}

ارتباط بین نزول باران و معنویت

ارتباط بین نزول باران و معنویت در کتب آسمانی و نیز روایات اسلامی مطرح و بر آن تأکید شده است. قرآن کریم به زیایی بیان می‌کند که اگر مردم پاک و پرهیزگار شوند، رحمت الهی بیشتر نازل می‌شود و گاه بر اثر گناهان بارش کم می‌گردد. قرآن می‌فرماید:

اگر مردم شهرها ایمان اورده و به تقوا گراییده بودند، به بقیه برکاتی از آسمان و زمین برآیشان می‌گشودیم؛ ولی نکذیب کردند. پس به [کیفر] دستاوردنان [گریبان] آنان را گرفتیم.^{۱۱}

و نیز قرآن می‌فرماید که هود به قومش چنین می‌گفت:

ای قوم من، از پروردگاران امریکش بخواهد، سپس به درگاه او توبه کنید تا از آسمان بارانی بیوسته بر شما بباراند.^{۱۲}

و نیز می‌فرماید:

اگر به طریقه راست پایداری کنند، از آنی فراوان سیرابشان کنیم.^{۱۳}

تورات نیز همانند قرآن، مبنی نزول برکات آسمانی و توبه و استغفار مردم را بطریقه برقرار می‌کند و بیان می‌کند که گناه مانع نزول باران، و توبه و استغفار باعث بارش باران بر زمین می‌شود. نمونه را بنکرید؛ برای خود بتها مسازید و تمثال تراشیده و سوتی به جهت خود بربا ننمایید و سنتگی مصور در زمین خود مکنارید تا به ان سجده کنید... اگر در فرایدهن من سلوک ننمایید و

۱۰- نوح البلاهم، خطبه، ۹۰-۹۱. قد اسف هدیده نمایه الحجوب در راهاسیه و دفع شاییه.. همی تسبیح بزیره را پنهان و تزدهن باما استنه من ربط از اهلها و حلبه ما سقطت به من ناصر انوارها.

۱۱- (وَكُلُّ الْقَرِيَّ أَسْوَاً وَأَكْثَرًا لَقَعَتْهَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتُ مِنَ السَّمَاءِ، وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ كَثِيرًا قَاتَلُوكُمْ يَا كَافَرُوا يَكْسِبُونَ) (سوره اعراف، آيه ۱۶).

۱۲- (وَتَأْتِيَ قَوْمًا أَسْتَهْرُوا رَبِّهِمْ ثُمَّ تُؤْبَرُ إِلَيْهِ بِرَبِّلِ السَّمَاءِ عَلَيْكُمْ مُذَرَّز*) (سوره هود آيه ۵۲).

۱۳- (وَلَئِنْ أَسْتَهْرُوكُمْ عَلَى الظُّرْبَةِ تَأْسِيْلُكُمْ مَا، غَدَقَ) (سوره حم، آيه ۱۶).

اوامر مرا نگاه دارید و آنها را به جا آورید، آن گاه باران‌های شما را در موسم آنها خواهد داد و زمین محصول خود را خواهد آورد... و نان خود را به سیری خورده، در زمین خود به آمنیت سکونت خواهید کرد.^{۱۳}

و در جای دیگر آمده است:

اگر اوامر بجهة خذای خود را نگاهداری و در طریق‌های او سلوک نمایی، خداوند تو را برای خود مقدس خواهد گردانید... و خداوند خزینه نیکوی خود، یعنی آسمان را برای تو خواهد گشود تا بارانی زمین تو را در موسمش بیاراند...^{۱۴}

و نیز می‌گوید:

و تو بازگشت نموده، قول خداوند را اطاعت خواهی کرد و جمیع اوامر او را که من امروز بتو امر من فرمایم به جا خواهی اورد و بجهة خذای تو را در تمامی اعمال دست و در میوه بعلت و نتایج پهابست و محصول زیست به نیکوی خواهد افزود.^{۱۵}

و نیز آمده است:

هنگامی که آسمان بسته شود و به سبب گناهاتی که به تو [خداوند] ورزیده باشد باران نبارد....^{۱۶}

در روایات اسلامی نیز چنین آمده است:

امام باقر(ع) می‌فرماید:

بارش هیچ سالی کمتر از سال دیگر نیست، ولی خدا هر جا بخواهد آن را فرود می‌آورد؛^{۱۷}
سنت الهی چنین است که هرگاه گروهی معتبرت کار شوند، آن مقدار بارانی که برای آنان در نظر گرفته بود، به جای دیگری می‌برد و یا آن را در دریاها و کوهها و بیان‌ها می‌باراند.^{۱۸}

امام سجاد(ع) می‌فرماید:

گناهان مانع بارش رحمت آسمانی عبارت‌اند از: ستم قاضیان در داوری، شهادت ناحق و کتمان شهادت.^{۱۹}

امام رضا(ع) می‌فرماید:

هرگاه فرمانروایان و زمامداران جامعه دروغ بگویند، باران نمی‌بارد.^{۲۰}

۱۲. سورات، سفر لاویان، باب ۲۶، آیات ۶ - ۱.

۱۳. همان، سفر تنبیه، باب ۲۶، آیات ۹ - ۱۳.

۱۴. همان، باب ۳۰، آیات ۸ - ۱۰.

۱۵. همان، «كتاب دوم تواریخ ایامه»، باب غرایه ۲۷.

۱۶. آنکه ما من سنه اقل مطرًا من سنه ولكن الله يضمه حيث يشاء ان الله عزوجل اذا عمل قوم بالمعاصي صرف عليهم ما كان قدر لهم من المطر في تلك السنة الى غيرهم والى الفاسق والبخار والجفال (بخار الانوار، ج ۷۳، ص ۲۲۹ و ۲۷۷) میزان الحکمة من ۹۹۶ حدیث (۶۶۴۳).

۱۷. النوب اتنی تعبیس غبت السلا، حجر الحكم فی القضا، وشهادة الزور و كتمان الشهادة (همان، ص ۹۹۶ حدیث ۶۶۴۸)

۱۸. اذا كذب الولاة جلس المطر (بخار الانوار، ج ۷۳، ص ۲۷۳).

رسول گرامی اسلامی تبار می فرماید:

مردم از برداختن زکات خودداری نمی ورزند، مگر آن که بارش باران از آنان بازداشت می شود و اگر چهار باران نبودند، اصلًا بارشی نداشتند.^{۱۹}

منشا باران ابرها یا آسمان

در قرآن کریم منشا نزول باران، آسمان معرفی شده است. تعبیر «نزول من السماء»، چهارده بار و «از لذنا من السماء»، چهار بار و «نزول من السماء»، دو بار و «نزولنا من السماء»، یک بار تکرار شده است. آیا مقصود از آسمان، کرات آسمانی است؟ که در این صورت ابرها حکم غربال را پیدا می کنند؛ چنان که فخر رازی گاه در تفسیرش به آن معتقد شده است و می نویسد:
خدا باران را در آسمان می آفریند و سپس آن را بر ابرها و از آن جا بر زمین فرو می باراند.^{۲۰}

وی حتی بر کسانی که مقصود از آسمان را ابر و سحاب دانستند و باران را حاصل تبخیر بخشن از آبهای دریاها و درون زمین می دانند، خرد می گیرد.^{۲۱}
ما مقصود از آسمان ابرهای است؟ چنان که سماء را کتابه از ابرها دانسته‌اند و باران را حاصل تبخیر آبهای زمین معرفی کرده‌اند.^{۲۲} فخر رازی نیز در تفسیر آیه ۳۳ سوره ابراهیم همین نقل را پذیرفته و دلیل خود را مشاهدات خارجی معرفی می کند.^{۲۳}
مرحوم طبرسی گرچه در برخی آیات منشا باران را آسمان معرفی می کند^{۲۴}، ولی در توضیح بیشتر آیات، مقصود از سماء را سحاب و ابر می داند و با اشاره به نظر طبیعت‌شناسان - که ابر را حاصل بخارهای متضاد از زمین می دانند - اشاره و آن را از علی بن عیسی رمانی نقل می کند و می نویسد:
گرچه این نظر قطعی نیست، ولی دلیل عقلي یا ناقلی بر رد آن تداریم.^{۲۵}

به نظر می‌رسد چنین بگوییم که گرچه واژه سماء در قرآن مصادیق مختلفی دارد، اما قطعاً مفهوم فرازمندی و جهت فوق در همه آنها لحاظ شده است. فرهنگ نامه‌ها تصریح دارند که آسمان به لحاظ کاربرد زبان عربی به هر چیزی گفته می‌شود که در فراز قرار گیرد و بر انسان سایه افکند.^{۲۶} مفسران نیز بر این معنای لغوی تأکید کرده و واژه سماء را به همین معنی گرفته‌اند.

۱۹. خمس ان البرکاتوهن فتنوذوا بالله عنهم.. و لم يمنعوا الزكاه الا منعوا القطر من السماء ولو لا يباينهم لم يمطرروا (التلمساني)، ج. ۴، ص. ۸۱.

۲۰. مفاتیح الغیب، ج. ۴، ص. ۲۲۲، ج. ۱۳، ص. ۱۰۵، ج. ۲۶، ص. ۹۰.

۲۱. همان، ج. ۲۲، ص. ۸۸.

۲۲. المstan، ج. ۲، ص. ۵۶. جواهر لغی لفسیر قرآن، ج. ۱، ص. ۳۱، ص. ۹۱؛ المیزان، ج. ۱۵، ص. ۱۷.

۲۳. مفاتیح الغیب، ج. ۱۹، ص. ۱۲۶.

۲۴. همان، ج. ۴، ص. ۱۲۱.

۲۵. همان، ج. ۱، ص. ۶۱ و ۲۴۵، ج. ۲، ص. ۲۲۱.

۲۶. مجمع البحرين: المفردات.

أَنْزَلَ اللَّهُ مِنِ الْمَكَانِ أَيِّ مِنْ نَحْوِ النَّسَاءِ عَندَ جُمِعِ الْمُقْرِبِينَ^{۲۷}

همه مفسران بر این باورند که «از اسمان فرو فرستاده»، یعنی از سوی اسمان

علامه طباطبائی می‌نویسد:

أَنْزَلَنَا مِنِ الْمَكَانِ أَيَّهُ مَطْهُورًا^{۲۸}

یعنی از فرادست و «جو زمین» آب پاکیزه ای فرو فرستادیم.^{۲۹}

اگر مواد از «معصرات» در آیه ۱۴ سوره نَأَيْ بِنَزَارَةِ ابْرَاهِيمَ باشد، منشأ باران ابرهای به هم فشرده خواهد بود^{۳۰} و به نوعی بیانگر مراد از اسمان، که همان جو زمین باشد.

کلام امام صادق درباره رنگ اسمان می‌تواند گواهی باشد بر این که مراد از اسمان جو زمین است.

ایشان به مفضل فرموده‌اند:

هان مفضل، در رنگ اسمان بیندیش که خداوند آن را به موافق ترین رنگ برای چشم پسر افریده است؛ زنگی که دیده را قوت می‌بخشد.^{۳۱}

بر اساس آنچه مطرح شد، پذیرفتن برخی منقولات روایی در این باره، ناممکن خواهد بود. برایه این گونه روایات نقل شده، تکون باران نه در ابرها که در بالاتر از ابرهast و منشأ باران را باید در فراتر از ابرها جستجو کرد و ابر فقط حکم غربال را برای ابرهای بالادستی دارد. برخی از این روایات به شرح ذیل است:

۱. امام صادق: «از حضرت امیر: نقل کرده است که حضرت فرمودند:

ابر غربال باران است و اگر چنین نبود: هر چه که باران بر آن فرود می‌آمد تباہ می‌شد.^{۳۲}

۲. از امام صادق: نقل شده است:

اگر ابر نبود زمین خراب می‌شد و هیچ گیاهی نمی‌روید، ولی خداوند به ابر دستور می‌دهد و آب را غربال کرده و قطره قطره نازل می‌شود، ولی خداوند آن را بر قوم نوح بدون حساب فرستاد.^{۳۳}

۲۷. مجمع البيان، جا، ص ۲۲۶.

۲۸. العینان لیل المفسر للقرآن، ج ۱۵، ص ۱۳۷ و نیز ر.ک: معارف قرآن، ص ۲۶۳.

۲۹. ر.ک: العینان لیل المفسر للقرآن، ج ۲۰، ص ۱۷۸؛ مجمع البيان، ذیل آیة مذکور.

۳۰. ر.ک: تفسیر نعویه، ج ۱، ص ۸۰.

۳۱. السحاب غربال المطر و لولا ذلك لا فسد كل شيء يقع عليه [بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۳۷۳].

۳۲. لولا السحاب لخربت الأرض فما بنت شيئاً ولكن الله يأمر السحاب فيغسل الماء فينزل قطرات والله أرسل على قوم نوح بغز حساب [بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۳۷۸].

۳. از امیر مومنان نقل شده است که آن حضرت فرمود:

در زیر عرش الهی دریابی است که در آن آب وجود دارد که رزق حیوانات را می‌رویند. هرگاه خداوند اراده کند که برای آنها چیزی برویند، به آن دریا وحی می‌کند که بیارد و آن از آسمانی به آسمانی دیگر می‌بارد تا به آسمان دنیا می‌رسد و آن را بر ابر می‌افکند و ابر به منزله غرمال است. سپس خداوند به باد دستور می‌دهد که آن را آسیاب کرده و مثل نصک ذوب کند و آن را به سوزنی پرده و بر آنان بیارد و هیچ قطعه‌ای از باران نمی‌باشد، جز آن که همراه او فرسته‌ای است تا آن را در جایگاهش قرار دهد.^۱

۴. از اما صادق:^۲ که حضرت از پدرش از امیر مومنان^۳ از رسول گرامی اسلام^۴ نقل کردند که خداوند ابر را غربال‌های باران قرار داده است و ابرها، تگرگ‌ها را ذوب می‌کنند تا تبدیل به آب شود و باعث صدمه به اشیا شود و اگر تگرگی دیده می‌شود، عقوبت خداوند است که به هر کس خداوند بخواهد اصابت می‌کند.^۵

۵. از موسی بن جعفر^۶: از پدرش از امام علی^۷: نقل شده است که حضرت فرمود:

بارانی که ارزانی حیوانات از آن یدید می‌آید، از دریابی زیر عرش است و به همین دلیل پیامبر اسلام در اولین باران با اول هر باران می‌استاد تا سر و صورتش از باران خیس شود و می‌فرمود این آب قریب العهد به عرش است و هرگاه خداوند اراده کند که باران بیاید، آن را از آسمانی به آسمانی فرو می‌فرستد تا به زمین برسد و گفته می‌شود آن دریابی زیر عرش همان «من» است (که در قرآن آمده است)^۸ و بادی از زیر عرش می‌وزد که ابر را آیین می‌کند. سپس از «من» آب فرو می‌ریزد.^۹

مرحوم مجلسی ضمن توضیح این دسته از روایات می‌نویسد:

در بیان برخی از روایات تصویر شده است که آنجه از آسمان نازل می‌شود، به شکل تگرگ (برد) است که توسط باد یا ابر آسیاب شده و ذوب می‌گردد و سپس به صورت قطرات باران به زمین می‌بارد.^{۱۰}

۶۴. آن تحت العرش بحرًا فيه ماء يحيى ارزاق الحيوانات فإذا أراد الله عز ذكره أن يبت به ما شاء لهم رحمة منه لهم أوحى الله إليه فمطر ماءه من سماء إلى سماء حتى يصبه إلى السماء الدنيا . فيما اتفق - فيلقه إلى السحاب والسحب يمثله العرمال ثم يوصي إلى البريج لـ المطحنة و الذي يسمى ذوال الملح ثم يطلقه إلى موضع كنان . [بحار الانوار، ج ۱، ه ۲۰، ص ۸۰- ۸۱؛ روضة الكافي، ص ۲۴۰].

۶۵. قال رسول الله : إن الله عز وجل جعل السحاب غير أليل المطر هي تذيبة البرد حتى يصبه ما لا يضر شيئاً بسيه والذى تزون فيه من البرد الصوابع تسمى الله عز وجل يصبه بها من شاء ما لا يضر شيئاً بسيه والذى ص ۲۴۰.

۶۶. (ابا ابي راكه من توفيد (بداهد) ابا شما ان را از منز فرو می اوردیده؟ يا ما ان را فرو اورنده؟ (سورة وقمه، آية ۹۷) المطر الذي منه ارزاق الحيوانات من بحر تحت العرش فمن ثم كان رسول الله يستنبط اول مطر وينقوم حتى ينزل رأسه ولحيته لم يقول ان هذا فريب عهد بالعرض و اذا رأى الله تعالى ان يمطر ازنه من ذلك الى سماء بعد سماء حتى يقع على الأرض و يقال المنز ذالك البحر و تهب ريح من ساق العرش تدفع السحاب [بحار الانوار، ج ۱، ه ۲۰، ص ۸۱؛ روضة الكافي، ص ۲۴۰].

۶۷. [بحار الانوار، ج ۱، ه ۲۰، ص ۸۱].

عَلَى امِيرِ مُؤْمِنَاتِهِ نَقْلٌ شَدَّهُ اسْتَ:

ما انزلت النساء قطراً من ماء من ذي جسمه الله عزوجل ولو قدقام قائمنا لانزل النساء
قطراها! خداوند از روزی که باران را جس کرده، از آسمان هج قطراهای نازل نکرده
است و در زمان قیام قائم^۱ آسمان بارانش را نازل خواهد کرد.

در این گونه روایات نقل شده - که مستحبین هم هستند^۲ - چند نکته قابل توجه است.
الف. باران قبل از آنکه به صورت آب باشد در آسمان به صورت تگرگ بود و سپس با فعل و افعالات
توسط باد یا ابر آسیاب و ذوب شده و به صورت قطره‌های آب در می‌آید.

ب. بارانی که رزق حیوانات است از آسمانی به آسمانی منتقل شده و به ابر می‌رسد و اگر به مفهوم
این سخت توجه کنیم، پس از بارانی غیر از آن هم وجود دارد.
ج. ابرها حالت غریال گری دارند، نه مولد باران

ایا به راستی تکون و ایجاد باران در فضای بالاتری از ابرها، انعام می‌ذیرد؟ مقصود از آسمانی به
آسمانی چیست؟ ایا مقصود، مراحل تولید فیزیکی باران است که از این مرحله‌ها تعبیر به آسمان شده
است یا مقصود، مراحل معنوی اوامر خداوند برای ایجاد باران است؟

و در هر صورت، مقصود از غریال گری ابرها چیست؟ ایا بخارهای متساعد از دریاها در فضای بالاتری
از ابرها، سرد شده و تبدیل به تگرگ می‌شوند و سپس با نیروی موجود در ابرها، تبدیل به قطرات آب
می‌شوند. آیا قبل از بارش باران از ابرها، اینوی تگرگ از فرا دست ابرها بر آنها فرو می‌بارد؟
فاصله بین موقعیت فرادستی با ابرها چه مقدار است؟

اگر اثبات شود که حتی با فاصله کمی، تگرگ در بالاتر از ابر، تشکیل می‌شود، ابرها حکم غریال را
خواهد داشت. اثبات علمی این مسائل در تخصصی نگارنده این سطور و حوصله این مقاله نیست؛ ولی از
منظور مباحث حدیث شناسی به چند نکته اشاره می‌شود:

۱. گاه تصور می‌شود که این احادیث، مخالف قرآن بوده و از این جهت باید رد شوند. توضیح، این که
قرآن در آیه ۱۴ سوره تبا و نیز آیه ۴۳ سوره نور نزول باران را از «معصرات» (در آیه نحسین) و از
کوههایی از تگرگ (در آیه دوم) دانسته که مقصود از هر دو جمله ابرهایست.

پس بر اساس این دو آیه، نزول باران از ابرها یا ابرهای کوهوار است، نه از آسمانی به آسمانی دیگر
که در روایات بالا گفته شد. به نظر می‌رسد که این سخن ناتمام است؛ زیرا اولاً ترجیح برخی از مفسران
«معصرات» را به مفهوم ابرها گرفته‌اند و بیان کرده‌اند که ابرها دارای نیروی فشارنده در درون خود
هستند که باعث تولید و ایجاد قطرات آب می‌شود.^۳ ولی این احتمال قطعی نبوده و احتمال این که مراد
از «معصرات» بادها باشند نیز وجود دارد و روایتی تیز نقل شده است که: خداوند فرشته‌ای از باد را
می‌فرستد تا ابرها را بختارد پس باران از آن فرود می‌آید.^۴

۲۸- روایت مستحبین به روایتی می‌گویند که پیش از دو نفر از را نقل کرده باشند، ولی به سرحد تواتر نرسد.

۲۹- المیزان، ج. ۲۰، ص. ۱۷۷؛ مجمع الیاذ، ذیل آیه‌ای باد و باران در قرآن، ص. ۱۲۶.

۳۰- بحار الانوار، ج. ۵۹، ص. ۳۷۳.

گرچه می‌توان حتی بر فرض این احتمال مواد از معصرات را فشارهای درونی و فعل و انفعالات داخلی ابرها تفسیر کرد؛ جرا که واژه معصرات دارای ساختار قاعلی است و اگر غیر آن بود، باید با ساختار مفعولی (معصرات) از ابرها یاد می‌شد.

ثانیاً بد فرض این که مواد از «معصرات» ابرها باشد، نهایت جیزی که از این آیه استفاده می‌شود، این است که باران از ابرها نازل می‌شود، ولی این که باران از خود ابر تولید می‌شود یا این که قطعات بخ و تکرگ از فضای بالاتر بر ابرها ریخته و سپس نیروی فشارنده ابرها باعث آسیاب کردن و ذوب نمودن و تبدیل آنها به قطرات باران باشد، آیه بر هیچ کدام به طور صریح دلالت ندارد؛ زیرا در این آیه فقط اشاره به نزول باران از ابرها شده است، ولی از منشأ ایجاد باران سخنی به میان نیامده است تا بتوان روایات باد شده را مخالف با قرآن تلقی کرد.

در آیه سوره نور نیز تنها بیان شده است که تکرگ از کوههای در آسمان نازل می‌شود که ممکن است مقصود از کوهها در آسمان، همان ابرهای کوهوار باشد یا قوات از ابرها، کوههای از تکرگ در آسمان وجود داشته باشد.

و به فرض این که مواد، ابرها باشد، نهایت استفاده از این آیه این است که تکرگ از ابرها فرو می‌ریزد، اما منشأ ایجاد تکرگ خود ابر است یا جای دیگر به آن تصریح نشده است؛ حتی صدر همین آیه نیز که از راندن به نرمی ابرها و پیوند بین آنها و ایجاد ابر متراکم خبر داده شده و سپس فرموده است: «فتری الودق بخرج من خلاله؛ آن گاه می‌بین که از لا به لا پیش باران بیرون می‌چهد»، باز هم تنها خروج قطرات باران از لا به لا ای ابرها استفاده می‌شود، نه تولید و ایجاد قطرات در درون ابرها.

۲. ممکن است برای رد روایات باد شده، تعارض آنها با روایات دیگر را مطرح کنیم که در آنها منشأ نزول باران ابرها معروف شده است: همانند:

۱. امیر مؤمنان^{۱۰} در خطبه اشیاح می‌فرماید:

خداآوند متعال زمین بی گیاه را که آب چشمه‌ها به چهت بلندی به آن نمی‌رسد و نهرهای کوچک و رودخانه‌ها بر فراز آن راه نیابد به حال خود نگذاشت تا ابر را که در هوا پیدید آمده، خلق کرد تا موده آن را زنده کند (زمین را آب داده) و گیاه آن را بروساند.^{۱۱}

ولی به نظر می‌رسد در این روایت نیز تنها این مسأله مطرح شده است که خداوند برای آیاری سرزمین‌های مرتفع - که از آیاری نهرها محروم‌اند - ابرها را خلق کرده است که عمل آیاری آن سرزمین‌های مرتفع توسط ابر انجام شود، ولی هیچ تصریحی در این روایت بر این که ابر منشأ باران است، وجود ندارد و مخالفتی با روایات قسمت قبل ندارد.

۲. حضرت در قسمت دیگری از همین خطبه می‌فرماید:

۱۰. تم لم بعد جزو الارض التي تغمر مياه العيون عن روبيها و لا تجد جداول النهر ذريعة الى بلوغها حتى انتها ناشطة تحني موانها و تستخرج سباها (معجم البلاغة (فیض الاسلام)، ص ۷۸۴)

۳. حضرت در جایی دیگر می‌فرماید:

بادهای سخت دریا را زیر و رو می‌کند و ابرهای بر باران، دریا را به جنس می‌آورد.^{۲۱}

ولی این دو روایت نیز صراحتی بر این که منشا باران کجاست ندارد؛ تنها بیان شده که ابرهای بر باران دریا را به جنس می‌آورد با خداوند آنها را به هم پیوند می‌دهد که مهیای بارش شوند، ولی این که منشا تولید آب موجود در ابرهای جیست و این آب و از کجا پدید آمده، صراحتی ندارد؛ گرچه برخی آن را مطرح کرده‌اند.

دکتر لیب بیضون، پس از طرح مسأله وزش باد بر سطح دریاهای و بیان اختلاف درجه حرارت ایجاد شده، می‌تویسد: ابرها – که مشکل از ذرات ریز بخار هستند – ایجاد شده و به سمت بالا حرکت می‌کنند و عبارت حضرت امیر^{۲۲} را دال بر آن دانسته است.^{۲۳} ولی ما چنین دلالتی را از عبارت یاد شده نمی‌فهمیم.

۳. ممکن است برای رد روایات یاد شده به ضعف سندی آنها توجه کرده و آنها به دلیل ضعیف بودن کثار زده شوند.

توضیح این که: روایت نخستین از روایات یاد شده – که مسأله غربال بودن ابرها را مطرح کرده است^{۲۴} – از کتاب قرب الاستاد حمیری نقل شده است که در سند آن، گرچه سندي بن محمد وجود دارد که وی همان ایان بن محمد است^{۲۵} و وی را تقدیم و جه قی اصحابنا به شمار آورده‌اند.^{۲۶} ولی در سند روایت یاد شده ابوالختری وجود دارد که وی همان وهب بن وهب القرشی المدنی است که وی را کتاب و سیار دروغگو معرفی کرده‌اند.^{۲۷} پس روایت نخستین دجار ضعف سند بوده و بین لحاظ قابل رد است. اما روایت دوم^{۲۸} – که از کتاب المحسنین برقی نقل شده – گرچه احمد بن محمد بن خالد، صاحب کتاب، تقدیم و مورد اطمینان است، ولی در مورد وی نقل شده است که از ضعفاً نقل حدیث می‌کرده است.^{۲۹} پدر وی را نیز ضعیف در حدیث تلقی کرده‌اند^{۳۰} که او نیز در سند حدیث دوم قرار دارد.

۲۴. حتی انا نخست لغة العزن فيه والنفع برقه في كففة. (همان، ص ۲۵۹).

۲۵. همان، ص ۱۶۷.

۲۶. ر.ک: الايجاز العلمي عند الامام علي، ص ۳۵.

۲۷. بخار الانوار، ج ۱۰، ص ۳۷۳.

۲۸. معجم رجال الحديث، ج ۱۰، ص ۲۱۸.

۲۹. همان.

۳۰. همان، ج ۲۱، ص ۱۹۱، ج ۱۹، ص ۱۹۱؛ نیز جامع البراء، ج ۲، ص ۲۰۲.

۳۱. بخار الانوار، ج ۱۰، ص ۳۷۸.

۳۲. معجم رجال الحديث، ج ۱۰، ص ۱۹۱.

۳۳. همان، ج ۱۶، ص ۱۶۵.

و گرچه حسن بن علی و شاء جلیل القدر و نقه است^{۱۰} و نیز علی بن حکم بن زبیر نیز جلیل القدر است^{۱۱} و ابان بن عثمان الاحمر نیز از اصحاب اجماع و از اجلاء به حساب می‌اید، ولی مروی عنده، ابان شخص تیست و روایت نیز مرسلا به حساب می‌اید پس روایت دوم نیز به لحاظ ارسال و نیز ضعف سند به واسطه محمدبن خالد دجاج مشکل است.

اما روایت سوم^{۱۲} و روایت چهارم^{۱۳} - که هر دو از کتاب الکافی نقل شده‌اند - سند آنها چنین است:

کلینی از علی بن ابراهیم از هارون بن مسلم از مسده بن صدقه از امام صادق^{۱۴}.

در جلالت و وثاقت محمدبن یعقوب کلینی و نیز عظمت و وثاقت علی بن ابراهیم قمی^{۱۵} و نیز موثق بودن هارون بن مسلم^{۱۶} و نیز توثیق مسعدة بن صدقه العبدی^{۱۷} نمی‌توان تشکیک کرد و ضعف سندی با اسنادی در روایات یاد شده دیده نمی‌شود. پس روایات سوم و چهارم قابل رد سندی نمی‌توانند باشند، بویزه اگر توجه کنیم که نظری روایت چهارم در علیل الشراحی شیخ صدوق و به واسطه پدر صدوق، از عبدالله بن جعفر حمیری، از هارون بن مسلم نیز نقل شده که همگی از اجلاء رجال حدیثی هستند.

۴. تنها راه برای نقد احادیث یاد شده، نقد محتوای است: بدین معنی که یک‌گوییم: روایات ناطر به غربال بودن ابراهیم، مخالف علم مسلم بشری و در تعارض با دانش قطعی بشری است و نمی‌تواند از معصوم سخن خلاف واقعیت خارجی صادر شود.

پس بر این پایه روایات یاد شده را به کاری نهاده و آنها را مردود اعلام کنیم، ولی آیا دانش قطعی بشری، تولید قطرات باران در حادل لایهای بالاتر از ابراهیم را مسلمآ مردود شمرده است؟ به نظر نگارنده گرچه مسأله مفروغ عنه گرفته می‌شود، ولی هنوز هم جای تحقیق در دانش بشری هست. پس روایات یاد شده در تقابل با دانش قطعی تلقی نمی‌شود و شاید مدتی نه چندان دور، بشر به حقیقتی عمیق‌تر، در باره تولید باران دست یابد.

نتیجه

بر اساس آنچه گفته شد، این نتایج به دست می‌اید:

۱. روایات یاد شده، گرچه برخی دجاج ضعف سندی یا استنادی هستند، ولی در بین آنها روایت موثق وجود دارد.
۲. روایات گفته شده گرچه با دانش امروزی بشری مخالفت دارد، ولی دانش امروزی در باره منشا تولید باران آخرين سخن در این باره تیست.

۱۰. همان، ج ۵، ص ۶۲.

۱۱. همان، ج ۱۱، ص ۳۹۴.

۱۲. بخاری الانبار، ج ۵، ص ۲۸۰.

۱۳. همان، ص ۲۸۱.

۱۴. شیعجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۱۱۷؛ نیز جامع الروايات، ج ۲، ص ۲۱۸؛ ج ۱، ص ۵۴۵.

۱۵. شیعجم رجال الحديث، ج ۱۹، ص ۲۲۹.

۱۶. همان، ج ۱۸، ص ۱۲۹.

حال باید فهم این دسته روایات را به امامان معصوم^ع و اگذار کرد؟ یا این احادیث را به حotor قطع کنار گذاشت یا بر اساس روایت ششم به دو نوع تولید باران باور داشت: ۱. تولید باران از دریاهای^۱. ۲. تولید باران بسیار گسترده‌تر در فضای بالاتر از ابرها که در زمان ظهور حضرت مهدی^ع: اتفاقی منتفع زیرا بر اساس روایت ششم^۲ حتی قطراهای از باران نوع دوم بر زمین نباریده است^۳ و یا... گفته شود که گرچه تولید همه انواع باران از دریا و اقیانوس‌هاست، ولی بخارهای متصاعد در فضای بالاتر از ابرها (هر چند اندک) به صورت تگرگ درآمده و سپس به وسیله ابرها غریال شده و به صورت باران فرود می‌آیند و یا.... به نظر می‌رسد پس از تأمل در دانش بشری اگر داده‌های علمی قطعی و مسلم باشند، آسان‌ترین راه جعلی دانستن این دسته روایات است.

کتابنامه

- آلاموسی مفسر، عبدالحمید محسن، چاپ اول، مطبوعة المعارف، بغداد، ۱۳۸۸ق.
- الاسرالبلیات و البرها نقی تفسیر، رمزی نعائی، دمشق، دارالقلم و دارالبیضاء، ۱۳۹۰ق.
- الاعجاز العلمی عند الامام علی، لیبی بیضون، چاپ اول، موسسه الاعلامی للمطبوعات، بیروت، ۲۰۰۵م.
- باد و باران در قرآن، مهدی بارگان، قم، موسسه مطبوعاتی دارالفنون، ۱۳۴۴ش.
- بخار الانوار، محمد باقر مجلسی، دارالكتب الاسلامی، تهران، ۱۳۸۷ق.
- البرهان نقی تفسیر القرآن، سید هاشم حسینی بحرانی، چاپ اول، قم، موسسه بعثت، ۱۴۱۷ق.
- جامع الرؤاء اردبیلی، محمد بن علی الفروی الحائری، مکتبة المصطفوی، قم، بی تا.
- الجواهر نقی تفسیر القرآن الکریم، حلطاوی، جوهري، بیروت، دارالفنون.
- دانشنامه جهان اسلام، سید مصطفی میر سلیمانی، تهران، پیاده دائرة المعرفت اسلامی، ۱۳۷۵ش.
- میمای طبیعت در قرآن، محمد حسن رستمی، چاپ اول، قم، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۵ش.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلبی، چاپ چهارم، تهران، دارالكتب الاسلامی، ۱۳۶۵ش.
- مجتمع البحرين، طربیخی.
- مجتمع البيان لعلوم القرآن، ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (امین الاسلام)، تهران، انتشارات ناصرخسرو و نیز قم، مکتبه آیه الله مرعشی.

^۱ از بخار الانوار، ج ۵۹، ص ۳۷۹.

^۲ ائمه در سند روایت ششم قاسم بن حسن بن علی یقطنه است که ضعیف معرفی شده (مجمع رجال العدالت، ج ۱۲، ص ۱۶ و نیز قاسم بن یحیی که گرچه برشن او را موافق دانسته اند (همان، ج ۱۲، ص ۵۶۵)، ولی برشن وی را ضعیف دانسته‌اند (جامع الرؤاء، ج ۲، ص ۲۲).

- معجم رجال الحديث، سيد ابوالقاسم خوئي، جاب اول، نجف، ١٣٩٨ق، جاب سوم، بيروت، ١٤٠٣ق.
- مفاتيح الغيب (التفسير الكبير)، فخر رازى، جاب سوم، بيروت، دارالاحياء، التراث العربي.
- مفردات، راصب اصفهانی.
- المختار، رشید رضا، محمد، جاب دوم، بيروت، دارالمعرفة، ١٣٩٣ق.
- العيزان في تفسير القرآن، محمدحسین طباطبائی، جاب اول، بيروت، موسسه الاعلی للطبعات، ١٤١٧ق.